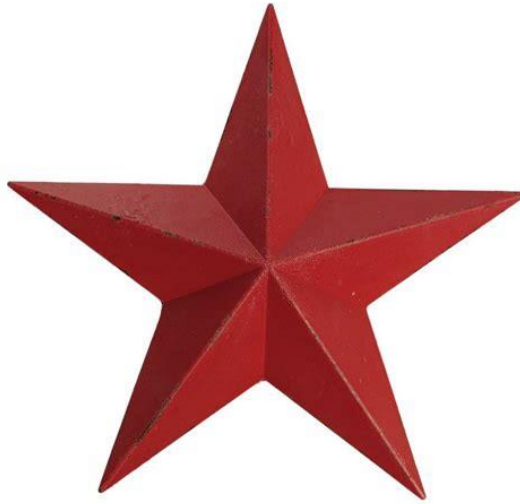


در باره زندگی رفیق شهید محمد رضا الماسی



چریک فدائی خلق رفیق محمد رضا الماسی در سال ۱۳۴۱ در شهرستان قصر شیرین در یک خانواده کارگری چشم به جهان گشود. موقعیت کارگری خانواده بطور طبیعی وی را با رنج و دردی که خانواده های کارگری با آن دست به گریبان می باشند آشنا نمود.

در جریان انقلاب سالهای ۵۶ و ۵۷ که وی در آن ایام هنوز نوجوانی بیش نبود، همچون خیلی از هم نسلانش به صفوف انقلاب پیوست و از مبارزات آن دوره تجربه آموخت. آوازه سازمان چریکهای فدائی خلق به دلیل مبارزه مسلحانه اش با رژیم شاه، موجب هواداری این رفیق از این سازمان شد. بعد از قیام بهمین با توجه به فضای شبه دموکراتیکی که با سقوط رژیم شاه به دست توده ها در جامعه ایجاد شده بود، با شور و شوق تمام به تجمعات خیابانی و بحثهای جاری در میان جوانان در قصر شیرین پیوست. رفیق الماسی هنگامی که یورش جمهوری اسلامی به کردستان و جنایاتی که این رژیم ددمنش علیه خلق گُرد اعمال نمود را به عینه دید، ضرورت مبارزه قاطعانه با رژیم جدید را با پوست و گوشت خود درک کرد. در این زمان او دریافت که سازمانی که وی از آن هواداری می کرد به جای مبارزه قاطعانه با دشمنان توده ها، راه مماشات با رژیم سرکوبگر جدید را در پیش گرفته است. لذا فوراً با اعلام موجودیت چریکهای فدائی خلق ایران به هواداری از این سازمان برخاست. در آن زمان رفقای کرمانشاه (عمدتاً زنده یادان برادران کریمی) آثار چریکهای فدائی خلق را از کرمانشاه به قصر شیرین برده و در آنجا پخش می کردند. این امر باعث آشنائی رفیق محمد رضا الماسی با این رفقا و در ارتباط قرار گرفتن با چریکهای فدائی خلق شد. به این ترتیب رفیق محمدرضا از اولین هواداران چریکهای فدایی خلق در قصر شیرین بود که بعداً خود، آثار سازمان را از کرمانشاه دریافت و در سطح شهر توزیع می کرد.

بعد از شروع جنگ ایران و عراق، رفیق اجباراً همراه خانواده اش به اسلام آباد نقل مکان نمود و با توجه به تجربیاتی که در این فاصله کسب نموده بود، مسئولیت هسته های هوادار چریکهای فدایی خلق در آن شهرستان بر عهده اش گذاشته شد. رفیق محمد رضا در مقطعی که رفقای کرمانشاه برای تامین هزینه های

فعالیت‌های مبارزاتی خود تصمیم به مصادره بانک هائی را گرفته بودند، به مشارکت با آن رفقا پرداخت و در مصادره ی بانک فرهنگیان قصرشیرین که در اوایل سال ۵۹ رخ داد، شرکت نمود. در اسفند ماه ۱۳۶۰ دژخیمان جمهوری اسلامی به تشکیلات هواداران چریک‌های فدایی خلق در استان کرمانشاه هجوم بردند. در این زمان، رفیق محمدرضا الماسی در تشکیلات اسلام آباد غرب فعالیت داشت و متأسفانه در آن شهر به دست مزدوران رژیم، دستگیر و زیر وحشیانه ترین شکنجه ها قرار گرفت. از آنجا که آن شکنجه ها کافی نبودند، مزدوران، وی را به همراه تنی چند از زندانیان مقاوم به سپاه کرمانشاه انتقال دادند و در آنجا نیز وی را مورد شکنجه قرار دادند. مقاومت رفیق محمد رضا در زیر شکنجه های دژخیمان جمهوری اسلامی به گونه ای بود که آوازه اش خیلی زود در سطح زندانها پخش شد و هنوز هم الهام بخش زندانیان سیاسی آن دوران می باشد. با توجه به این واقعیت که دوران بازجویی و دادگاه و زندان، یکی از دوران های محک یک انقلابی می باشد، رفیق محمد رضا در عمل نشان داد که چه سرافرازانه این دوران را پشت سر گذاشته است.

سرانجام شب پرستان حاکم در شب نهم مرداد ماه ۱۳۶۱، رفیق را در زندان دیزل آباد کرمانشاه، تیر باران نمودند. به این ترتیب طبقه کارگر قهرمان ما، یکی از رزمندگان خود و چریک‌های فدائی خلق، یکی از صمیمی ترین یارانشان را از دست دادند. اما یاد و خاطره وی هرگز فراموش نخواهد شد و الهام بخش انقلابیونی خواهد بود که رسالت به سرانجام رساندن سرنگونی قطعی جمهوری اسلامی را بر دوش می کشند.

یاد رفیق محمد رضا الماسی جاودان و راهش پر رهرو باد!